

عنوان مقاله:

واکاوی نظریه ارتباط گرابی زیمنس

محل انتشار:

دومین کنفرانس بین المللی علوم رفتاری و مطالعات اجتماعی (سال: 1394)

تعداد صفحات اصل مقاله: 17

نویسندگان:

شاهرخ محمدی - دانشجوی مقطع دکترای برنامه ریزی درسی واحد علوم و تحقیقات تهران

تحسिम الیاسی - دانشجوی دکترای فلسفه تعلیم و تربیت از دانشگاه تهران

سمیه ابن رومی - دانشجوی مقطع دکترای برنامه ریزی درسی واحد علوم و تحقیقات تهران

خلاصه مقاله:

ارتباط گرابی در چند سال اخیر به عنوان یک نظریه یادگیری جدید در محافل علمی مطرح شده است. این نظریه را اولین بار جورج زیمنس (2005) و استفان داونز (2006) مطرح کردند (به نقل از فردانش، 1392). زیمنس استاد دانشگاه منیتوبای کانادا دارای آثاری در زمینه ی شبکه های یادگیری و نظریه ارتباط گرابی، زیستبوم یادگیری و آموزش و یادگیری در عصر دیجیتال است. در چند دهه اخیر یادگیری شاهد دیدگاهها و نظریه های جدیدی بوده است که به طور جدی نظریه های پیشین را به چالش کشیده است به طریقی که برخی ایننظریه ها را پارادایمی جدید در تعلیم و تربیت تلقی مینمایند. گسترش فناوریهای مثل شبکه های جهانی، انفجاراطلاعات، کاهش نیم عمر دانش، رشد آموزشهای مجازی سبب ظهور دانش ارتباطی و نظریه ارتباط گرابی (که حاصل پیوند معرفت شناسی و فناوری است) شده است این نظریه بر دانش ارتباطی و دانش توزیع شده و از طرف دیگر بر فناوریهای نوین (شبکه ها) استوار است. که در تلاش است تا دیدگاه جدیدی را در معرفت شناسی و پیروآن متناسب با عصر دیجیتال یک نظریه یادگیری جدید ارائه نماید محققین در این مقاله قصد دارند تا ضمن امانتداری نسبت به محتوا، این نظریه را با بررسی آثار دکترزیمنس و سایر افرادی که در این زمینه آثار و مطالعاتی داشته اند، ایده های مرتبط را به چالش کشیده و درنهایتیک رویکرد متناسب با عصر دیجیتال را در آینده به جامعه اطلاعاتی که تشنه مفردی در این مسیر پرتلاطم استمعرفی نمایند که در این مجال خلاصه ای از نظریه فوق به همراه دلالتهای تربیتی آن و نقدهای مطرح شده بر آنارائه میشود

کلمات کلیدی:

ارتباط گرابی، یادگیری شبکه ای، یادگیری

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/521959>

